شهدای سمیع

قسمت سوم و پایانی

***اما همسر حاج سمیع؟**

«چند سال از فوت حاجیه خانم می‌گذرد. خیلی برایم همسر خوبی بود. خانه را چنان آرام و آماده کرده بود که من راحت می‌توانستم به کارهای بیرون برسم. حقا شیرزن بود و الکی نق نمی‌زد. بعد از شهادت هر کدام از بچه‌ها، آنکه بیش از همه به من دلداری می‌داد، او بود. او خیلی از من صبورتر بود، اما همیشه می‌گفت: من زودتر از تو به بچه‌ها ملحق می‌شوم. همین هم شد. کلا معتقدم نسبت به زمان مرگش، مرگ آگاهی داشت. آن روزی که رفت، کار نکرده‌ای در این دنیا نداشت».

***شهید حجت‌الاسلام عیسی توسلی**

حاج سمیع در ادامه حرف‌هایش اشاره می‌کند به حجت‌الاسلام عیسی توسلی، امام جمعه شهید فرخ شهر؛

«خدا شاد کند روح شهید توسلی را. اینکه من موفق شدم مسجد جامع را درست کنم، با تشویق ایشان بود. حاج عیسی بود که به همه ما اهمیت داشتن مسجد جامع را برای شهر متذکر می‌شد. خیلی از جوانان فرخ شهر را شهید توسلی اهل اسلام و انقلاب کرد. جوانانی را جذب مسجد کرد که سر به راه کردن شان بسیار سخت بود. خانه به خانه راه می‌افتاد و با این جوانان حرف می‌زد. عجیب حوصله داشت برای این کارها. جوانان فرخ شهر پروانه وار گردش می‌چرخیدند».

برادر رزمنده‌ای در تکمیل سخنان حاج سمیع می‌گوید؛

«شهید توسلی برای بازدید از جبهه‌های غرب روانه آن نواحی بود که توسط منافقین به شهادت رسید. شما خودت این عکس را نگاه کن! سعی کن بفهمی چه حالی داشت، چه معنویتی داشت، چه صفایی داشت. رهبر که آن زمان رئیس‌جمهور بود به مناسبت شهادت شهید توسلی پیامی داد که یک جمله‌اش هنوز در خاطرم هست؛ «سلام و درود خدا به روان آن امام جمعه شهید باد که بلیغ‌ترین خطبه‌ها را با خون خود نگاشت».

حاج سمیع و شهید توسلی خیلی با هم مانوس بودند. فرزندان حاج سمیع زودتر از شهید توسلی به شهادت رسیده بودند و برای همین حاج عیسی احترام ویژه‌ای برای حاج سمیع قائل بود و در هر برنامه‌ای حاج سمیع را مقدم می‌داشت. مسجد جامع فرخ شهر محصول همکاری و همدلی حاج سمیع با شهید توسلی بود که گنجایش بیش از ۵۰۰ نفر را دارد و به نسبت خودش مسجد خوب و مجهزی است. (در حین صحبت‌های برادر رزمنده درباره امام جمعه شهید فرخ شهر، حاج سمیع بنا می‌کند گریه کردن) حاج سمیع برای فرزندانش جز یک بار، اصلا گریه و زاری بلند نکرد، اما هر وقت اسم حاج عیسی می‌آید، به هم می‌ریزد. حاج یدالله زمانی ۲ تا از فرزندانش مفقود بودند که البته هنوز هم یکی شان یعنی قدرت‌الله مفقود است. یعنی ۲ شهید اول خانه ایشان تا چند وقت پیکر هیچ کدام شان برنگشته بود. یک روز چند تا از مفقودین را که پیکرشان پیدا شده بود، آوردند گلزار شهدای فرخ شهر. من یک دفعه دیدم حاج سمیع زد زیر گریه که؛ خدایا! لااقل یکی از شهدای مرا به من برگردان که بیایم اینجا و کنار مزارشان آرام بگیرم. خیلی نگذشت که خبر آوردند پیکر ولی لله پیدا شده. ولی‌الله را آوردند. من فکر می‌کردم روز خاکسپاری، حاج سمیع بنا می‌کند اشک ریختن، اما خدا شاهد است آن روز حاجی حتی یک قطره هم گریه نکرد. حتی خیلی خوشحال بود! خیلی آرام بود! و فقط خدا را شکر می‌کرد که به دعایش گوش داده. آن روز حاج عیسی متوجه حالات حاج سمیع شد و سعه صدر و تحمل معنی‌دار حاجی را ستود. یک روز حاج عیسی از حاج سمیع پرسید؛ چرا روز خاکسپاری ولی‌الله گریه نکردی؟ حاج سمیع گفت: اتفاقا خیلی بغض داشتم، خیلی اشک داشتم، اما دوست نداشتم دشمن با دیدن گریه‌های من خوشحال شود. این بود که از خدا خواستم به هیچ کدام از اشک هایم اجازه بیرون آمدن ندهد! خدا هم به خواسته‌ام گوش داد».

حاج سمیع اما اشک‌هایش را که برای حاج عیسی جاری شده بود، پاک می‌کند و اشاره می‌کند به یک قرآن قدیمی روی طاقچه؛

«من و این قرآن، یک قرن است که با هم ایم. مثل ۲ دوست صمیمی! سابق بر این، روزی ۱۰ جزء قرآن می‌خواندم، اما الان بیشتر از ۴ جزء نمی‌توانم. قرآن به وقت آدم برکت می‌دهد. زمان چوپانی می‌دیدم این برکت را عینا. مثلا خیلی‌ها می‌گویند؛ اگر جمعه برویم نماز جمعه، وقت مان برای فلان کار گرفته می‌شود! من اما تا به حال نماز جمعه‌ام ترک نشده و به همه کارهایم هم رسیده‌ام».

***مهمترین عضو خانواده ما شهادت است!**

حسین نوه دختری حاج سمیع، فرزند سردار شهید غلامرضا کاووسی است؛

«حاج غلام فرمانده گردان یازهرا (س) بود. مهم‌ترین نکته درباره زندگی پدرم همان است که در وصیت نامه‌اش نوشت: «راه حق سختی‌ها دارد و سختی‌ها را عاشقان به جان می‌خرند». پدرم از آنجا که خود عاشق بود، سختی‌ها را به جان می‌خرید و پای دین حاضر به معامله با دشمن نبود. البته عموی من هم جزء شهداست. کلا مهم‌ترین عضو خانواده ما شهادت است و شهید. شهادت سعادت است، ما اما عادت کرده‌ایم به این سعادت. عموعلی مداح اهل‌بیت بود و محرم‌های فرخ شهر هنوز هم با نوحه‌های باقی مانده از او و محزون می‌شود. در مورد ۳ پسرخاله شهیدم یعنی حمید، سعید و بهرام زاهدی باید بگویم حمید خطاط بود و دستی هم در نقاشی داشت. از حمید اهل هنر جمله زیبایی هست که می‌گوید؛ «زندگی برای دنیا پرستان زیباست، اما برای مردان خدا و آنان که ادعای مسلمانی دارند یک آزمایش است». سعید دیگر نوه شهید حاج آقاست که ۱۴ آبان ۶۱ در موسیان شهید شد. بهرام هم ۸ آذر در محور دهلاویه بستان به شهادت رسید».

***حاج غلام**

برادر رزمنده‌ای از همرزمان شهید کاووسی از نحوه آشنایی خود با حاج غلام می‌گوید؛

«با حاج غلام توی راهپیمایی‌های پیش از انقلاب آشنا شدم. سال ۵۶ و به خصوص سال ۵۷ که در مساجد شهر عمدتا با هم بودیم. بعد از انقلاب، حاج غلام رفت سپاه و پاسدار شد و همه وقتش در جنگ گذشت. مرخصی هم که می‌آمد، می‌رفت پایگاه بسیج و رتق و فتق امور اعزام. من با حاج غلام خیلی دیر آشنا شدم اما خیلی زود از دستش دادم. از ایام منتهی به انقلاب یادم هست که در مبارزه با ضد انقلابی و افکار منحط، یک چهار محال بختیاری بود و یک حاج غلام. آن زمان در چهار محال، ضد انقلاب جو بدی علیه بچه مسلمان‌ها درست کرده بود. براساس اسناد موجود حاج غلام قهرمان مبارزه با این جریان بود، آنقدر که بارها و بارها توسط منافقین تهدید شد. چند بار هم کار به درگیری فیزیکی رسید. تصور گروهک‌ها این بود که سازماندهی نیروهای انقلابی با حاج غلام است و البته درست فکر می‌کردند! حاج غلام ۲ محور داشت در راه این سازماندهی. یکی مسجد و یکی بسیج. بسیج فرخ شهر هنوز هم دارد نان حاج غلام را می‌خورد. حاج غلام خانواده خوبی داشت. پدرش از معتمدین شهر بود و فردی معتقد و باسواد. حاج غلام البته پدربزرگ مبارزی هم داشت. خانه پدربزرگ حاج غلام محل اجتماع مردم فرخ شهر بود، چه قبل انقلاب، چه زمان جنگ. معلوم است که حاج غلام با این نیای آگاه و متعهد، چه پرورش اصیلی پیدا می‌کرد. او میان اخلاق اسلامی و روحیات انقلابی پیوند زده بود و شعارهایش سطحی نبود. اخلاص داشت و به شدت ساده زیست بود. خانه‌اش فقط ۱۵۰ متر داشت. در شهرهایی مثل فرخ شهر اغلب خانه‌ها مساحتی نزدیک به ۳۰۰ متر دارند با حیاطی بزرگ، اما حاج غلام با اینکه از نظر مالی متمکن بود، رفت توی یک منزل محقر زندگی کرد. الان آن خانه شده محل بسیج خواهران فرخ شهر. خانه‌ای کوچک که مساحت معنویتش خیلی بیشتر از ۱۵۰ متر است. خدا حتی به خانه مردان نیک روزگار هم برکت می‌دهد. خانه شهید کاووسی با خانه پدری من کمتر از ۵۰ متر فاصله داشت. (بغض می‌کند و می‌زند زیر گریه) یادش به خیر! یک بار توی کوچه حاج غلام را دیدم. بهش گفتم: کجا می‌روی؟ گفت: نفت مان تمام شده، دارم می‌روم نفت پیدا کنم. زن و بچه دارند یخ می‌زنند از سرما. حالا حاج غلام برای خودش فرمانده گردان بودها! یه جورایی شناخته شده‌ترین جوان فرخ شهر بود به لحاظ موقعیت شغلی و چه و چه. این حسین آقا هم تازه به دنیا آمده بود. اما چرا نفت شان تمام شده بود؟ من می‌دانم! هر وقت نفت زیادی در خانه داشتند، می‌رفت می‌داد به مستمندان شهر. آنقدر به آنها نفت می‌داد تا زن و بچه خودش در سرما بمانند. این است انقلابی ما. این است شهید ما. این است سپاهی ما. و الا شعار را که همه بلدند بدهند. خلاصه! به حاج غلام گفتم: برو از بچه‌های فلان صندوق انصار نفت بگیر. اصلا کارشان رسیدگی به خانواده رزمنده هاست. حالا حاج غلام خودش فرمانده بسیج فرخ شهر بود! جواب داد؛ من از آن صندوق نفت نمی‌گیرم. شاید بسیجی‌های دیگر از زن و بچه من محتاج‌تر باشند. به او گفتم: پس می‌خواهی چه کار کنی؟ گفت: می‌روم از مغازه ای، دکانی، جایی، برای همین امشب نفت پیدا می‌کنم، فردا هم خدا بزرگ است، پس فردا هم که عازم جبهه هستم و خانه و خانواده را باید بسپارم به خدا! بعد دستی زد به شانه‌ام و گفت: خدا از صندوق انصار فرخ شهر خیلی بزرگ‌تر است و بلد است خودش گرم کند فضای خانه‌ام را! به خدا عارف بود حاج غلام! الان این چیزها بیشتر شبیه افسانه است. و خیلی هم خریدار ندارد این حرف ها! تا از این حرف‌ها می‌زنی، کلی حدیث و آیه برایت می‌آورند در لزوم رسیدگی به زن و بچه! اول از طرف سپاه، بعد از طرف بسیج، به حاج غلام ماشین دادند، اما نگرفت! همیشه پیاده می‌آمد مسجد، چه از خانه و چه از محل کار. از ماشین بیت المال فقط وقت‌هایی استفاده می‌کرد که بچه‌های سپاه و بسیج هم بودند و جایی می‌خواستند بروند که ماشین نبود. از خودش یک ژیان مدل ۵۷ داشت که یه جورایی شده بود ماشین بیت المال. بیشتر دست سپاه و بسیج بود، تا خودش! الان طرف ۲ تا شعار انقلابی می‌دهد و ۲ تا راهپیمایی می‌آید، خودش را طلبکار می‌داند از انقلاب! در جبهه، حاج غلام فرمانده گروهان بود. بعدا شد معاون گردان. بعد هم فرمانده گردان. به حاج غلام هر وقت لباس فرماندهی دادند، نگرفت. نوعا لباس‌هایی که به ایشان می‌دادند، می‌داد به بچه‌های تدارکات و بهشان می‌گفت: این لباس را بده به فلان رزمنده، آن یکی را بده به بهمانی، وضع لباس‌های شان اصلا خوب نیست! می‌مرد برای بسیجی ها. خودش معمولی‌ترین لباس را می‌پوشید، لباس نو را می‌داد بچه‌های ملت. هنگام غذا می‌ایستاد بالای سر آشپز و تا مطمئن نمی‌شد که غذا به همه رسیده، لب به غذا نمی‌زد. در جبهه، یک بار هم به یاد ندارم شهید کاووسی نفر آخر غذا خوردن نباشد. به خدا یک بار هم به خاطر ندارم! اما خوب یادم هست که کوچک‌ترین ساک جبهه، برای ایشان بود. کمترین و ساده‌ترین لباس ها. حاج غلام تا زمانی که سپاه بود، هیچ چیز از سپاه نخواست. بهش پیشنهاد رسمی دادند که فرمانده سپاه استان شود، اما قبول نکرد. گفت: دوست دارم بسیجی باقی بمانم. ما الان چند تا نماینده مجلس داریم که این جورند؟! بعضی‌ها برای یک صندلی بزرگ تر، حاضرند به جنگ انقلاب بروند! همین حاج غلام نماز شبش در جبهه ترک نمی‌شد. من نشانی شان را می‌دهم؛ برو یکی یکی از هم رزمانش بپرس!

حاج غلام در شاخ شمیران، عملیات والفجر ۱۰ زمستان ۶۶ شهید شد. در منطقه سر پل ذهاب با چند تا از بچه‌ها از چادر فرماندهی رفتند شناسایی و برگردند. من در سنگر نشسته بودم و بقیه بچه‌های کادر گردان خواب بودند که حاج غلام و بچه‌های شناسایی برگشتند. آن منطقه به خاطر چینش خاص کوه‌ها، اصلا امنیت نداشت. شهید کاووسی آمد و به من گفت: چرا برای اردوگاه، بچه‌های بیشتری را نگهبان نگذاشتی؟ گفتم: حالا الان ساعت یک و نیم شب است و همه خوابیده‌اند. نگهبان بماند برای فردا. دیدم رفت وضو گرفت و گفت: برو یک چای درست کن بخوریم! ایستاد برای نماز شب. بعد با هم چای خوردیم. من چشمانم سنگین شده بود، اما آن شب نمی‌دانم چرا بدخواب شده بودم. تا دم صبح، هر بار که از خواب بلند شدم، دیدم ایشان بیدار است. یا دارد نماز می‌خواند یا مراقب است که اگر اتفاقی افتاد، یکی بیدار باشد. حالا من پیک گردان بودم و حاج غلام فرمانده! همان شب، یکی از دفعاتی که از خواب پریدم، رفتم و با حاج غلام شروع کردم حرف زدن و شوخی کردن! گفتم: حاج غلام! من می‌خواهم توی این عملیات شهید شوم! جواب داد؛ اما من می‌خواهم آنقدر زنده بمانم و توی جنگ باشم که فقط چند روز مانده به پایان جنگ شهید شوم! بعد گفت: دوست دارم همه جنگ را باشم، اما بعد از جنگ را اصلا نبینم! همین که خواست جنگ تمام شود، خدا خودش لطف کند و مرا شهید کند! دوباره گفت: تو خبر از روزگار بعد از جنگ نداری! بعد جنگ، خیلی سخت می‌شود زندگی کردن و مسلمان ماندن و توی این راه تا آخرش ایستادگی کردن! به بهانه زندگی، خیلی‌ها دست از آرمان‌ها و جبهه و جنگ می‌کشند! (اشک‌های برادر مهری دوباره جاری می‌شود) همین هم شد! خودت برو ببین حاج غلام چه روزی به شهادت رسید. چند وقت قبل از قطعنامه! خوش به حالش! رفت و ندید روزگار بعد از جنگ را! پس دیگر به چه چیز می‌گویند مرگ آگاهی؟! شما با کسی که خیلی دوستش داری، چه جوری حرف می‌زنی؟ حاج غلام موقع نماز، آنقدر عاشقانه با خدا حرف می‌زد که نمی‌شد نگاهش نکنی! اون شب، خواب مرا، نماز شب زیبای شهید غلامرضا کاووسی آشفته کرد! یعنی یه نماز می‌گم، یه نماز می‌شنوی! یه شهید می‌گم، یه شهید می‌شنوی!»

حسین کاووسی: یه بابا می‌گم، یه بابا می‌شنوی...

آگهی قانون تعیین تکلیف وضعیت اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

نظر به دستور مواد ۱ و ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مصوب ۱۳۹۰/۹/۲۰و برابر رای شماره ۱۴۰۳۶۰۳۰۶۲۷۱۰۰۰۸۰۸ مورخ ۱۴۰۳/۲/۲۷ مورضوع ماده یک قانون مذکور تصرفات متقاضی آقای عبدالرسول بخت نسبت به ششدانگ محوطه محصور مشتمل بر بنا به مساحت ۳۱۲/۳۴ متر مربع قسمتی از پلاک فرعی از ۶۸ اصلی بخش ۹ مشهد که خریداری شد هاز فریدون بینش تایید گردیده است لذا به موجب ماده ۳ قانون تعیین تکلیف اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی این آگهی در دونوبت به فاصله ۱۵ روز از طریق این روزنامه و محلی / کثیر الانتشار در شهرها منتشر و در ورستا ها رای هیات الصاق تا در صورتیکه اشخاص ذینفع به آراء اعلام شده اعتراض داشته باشند باید از تاریخ انتشار اولین آگهی و در روستا ها از تاریخ الصاق در محل تا دوماه اعتراض خود را به اداره ثبت محل وقوع ملک تسلیم و رسید اخذ نمایند معترض باید ظرف یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض مبادرت به تقدیم دادخواست به داگاه عمومی محل نماید و گواهی تقدیم دادخواست به اداره ثبت محل تحویل دهد که در این صورت اقدامات ثبت موکول به ارائه حکم قطعی دادگاه است و در وصورتی که اعتراض در مهلت قانونی واصل نگردد و یا معترض گواهی تقدیم دادخواست به داگاه عمومی محل ارائه نکند اداره ثبت مبادرت به صدور سند مالکیت می نماید . صدور سند مالکیت مانع از مراجعه متضرر به د ادگاه نیست. م الف ۱۳۵۰
تاریخ انتشار نوبت اول : ۱۴۰۳/۳/۱۷ تاریخ انتشار نوبت دوم : ۱۴۰۳/۴/۳
بهروز صائبی ــ رئیس ثبت اسناد و املاک منطقه ۵ مشهد

«آگهی فقدان سند مالکیت»

۱۴۰۳/۴/۲ ۶۰۰۲۵۰۰

آقای هادی فرج‌پور با ارائه یکبرگ استشهاد محلی که به تائید دفتر گواهی امضاء دفتر ۵۴ بانه رسیده مدعی است که سند مالکیت مقدار ۱۲۰۰ سهم از ۲۴۰۹۶ سهم از ششدانگ عرصه یک قطعه زمین مزروعی آبی تحت پلاک ۱۵۳ فرعی از ۷- اصلی واقع در قطعه ۱۰، روستای بوئین‌علیا، دهستان ننور، بخش ۷ شهرستان بانه که سند مالکیت آن به نام ایشان صادر و تسلیم گردیده است، براثر سهل‌انگاری مفقود گردیده است لذا به استناد اصلاح تبصره یک اصلاحی ماده ۱۲۰ آئین‌نامه قانون ثبت و اصلاحیه‌های بعدی آن مراتب در یک نوبت آگهی می‌شود تا هرکس مدعی انجام معامله می‌باشد ظرف مدت ۱۰ روز پس از انتشار آگهی مراتب را کتباً به این اداره اعلام و در غیراینصورت برابر مقررات جاری المثنی سند مالکیت مذکور به نام متقاضی صادر خواهد شد.

کیوان محمودی
سرپرست ثبت اسناد و املاک شهرستان بانه

آگهی قانون تعیین تکلیف وضعیت اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

نظر به دستور مواد ۱ و ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مصوب ۱۳۹۰/۹/۲۰و برابر رای شماره ۱۴۰۳۶۰۳۰۶۲۷۱۰۰۵۴۷۲ مورخ ۱۴۰۲/۱۲/۲۳ مورضوع ماده یک قانون مذکور تصرفات متقاضی آقای محمد امین ریحانی شیروان نسبت به ششدانگ یک باب منزل به مساحت ۵۹/۷۲ متر مربع قسمتی از پلاک ۶۰ اصلی واقع در بخش ۹ مشهد که خریداری شد هاز رجب رباط جزی تایید گردید ه است لذا به موجب ماده ۳ قانون تعیین تکلیف اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی این آگهی در دونوبت به فاصله ۱۵ روز از طریق این روزنامه و محلی / کثیر الانتشار در شهرها منتشر و در ورستا ها رای هیات الصاق تا در صورتیکه اشخاص ذینفع به آراء اعلام شده اعتراض داشته باشند باید از تاریخ انتشار اولین آگهی و در روستا ها از تاریخ الصاق در محل تا دوماه اعتراض خود را به اداره ثبت محل وقوع ملک تسلیم و رسید اخذ نمایند معترض باید ظرف یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض مبادرت به تقدیم دادخواست به داگاه عمومی محل نماید و گواهی تقدیم دادخواست به اداره ثبت محل تحویل دهد که در این صورت اقدامات ثبت موکول به ارائه حکم قطعی دادگاه است و در وصورتی که اعتراض در مهلت قانونی واصل نگردد و یا معترض گواهی تقدیم دادخواست به داگاه عمومی محل ارائه نکند اداره ثبت مبادرت به صدور سند مالکیت می نماید . صدور سند مالکیت مانع از مراجعه متضرر به دادگاه نیست. م الف ۱۴۳۴
تاریخ انتشار نوبت اول : ۱۴۰۳/۳/۱۷ تاریخ انتشار نوبت دوم : ۱۴۰۳/۴/۳
بهروز صائبی ــ رئیس ثبت اسناد و املاک منطقه ۵ مشهد

آگهی قانون تعیین تکلیف وضعیت اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

نظر به دستور مواد ۱ و ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مصوب ۱۳۹۰/۹/۲۰و برابر رای شماره ۱۴۰۳۶۰۳۰۶۲۷۱۰۰۰۷۶۰مورخ ۱۴۰۳/۲/۲۵ مورضوع ماده یک قانون مذکور تصرفات متقاضی خانم مرضیه توکلی فارفانی نسبت به ششدانگ اعیان یک باب ساختمان به مساحت ۸۳ متر مربع قسمتی از لاک ۱۹۰۲ فرعی از ۳ اصلی واقع در بخش ۹ مشهد که اعیان متعلق به خود متقاضی و عرصه موقوفه کربلایی رحیم قسمتی خراسانی تایید گردیده است لذا به موجب ماده ۳ قانون تعیین تکلیف اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی این آگهی در دونوبت به فاصله ۱۵ روز از طریق این روزنامه و محلی / کثیر الانتشار در شهر ها منتشر و در ورستا ها رای هیات الصاق تا در صورتیکه اشخاص ذینفع به آراء اعلام شده اعتراض داشته باشند باید از تاریخ انتشار اولین آگهی و در روستا ها از تاریخ الصاق در محل تا دوماه اعتراض خود را به اداره ثبت محل وقوع ملک تسلیم و رسید اخذ نمایند معترض باید ظرف یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض مبادرت به تقدیم دادخواست به داگاه عمومی محل نماید و گواهی تقدیم دادخواست به اداره ثبت محل تحویل دهد که در این صورت اقدامات ثبت موکول به ارائه حکم قطعی دادگاه است و در وصورتی که اعتراض در مهلت قانونی واصل نگردد و یا معترض گواهی تقدیم دادخواست به داگاه عمومی محل ارائه نکند اداره ثبت مبادرت به صدور سند مالکیت می نماید . صدور سند مالکیت مانع از مراجعه متضرر به د ادگاه نیست. م الف ۱۴۳۶
تاریخ انتشار نوبت اول : ۱۴۰۳/۳/۱۷ تاریخ انتشار نوبت دوم : ۱۴۰۳/۴/۳
بهروز صائبی ــ رئیس ثبت اسناد و املاک منطقه ۵ مشهد

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رأی به شماره ۱۴۰۳۶۰۳۲۴۰۰۳۰۰۰۲۳۷ ، مورخه ۱۴۰۳/۰۲/۱۰ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی ملکی اهرم تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای علیرضا رستمی فرزند شهریار به شماره شناسنامه ۳۵۵۰۰۵۱۳۱۱ و به شماره ملی ۳۵۵۰۰۵۱۳۱۱ صادره از تنگستان در ششدانگ یکبابخانه به مساحت ۲۰۱/۸۴ مترمربع پلاک ۳ فرعی از ۳۹۶ اصلی قطعه یک واقع در اهرم خریداری از مالک رسمی آقای احمد پوربهی محرز گردیده است. فلذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را کتباً به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مرجع قضایی تقدیم نمایند بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات مربوطه سند مالکیت صادر خواهد شد. م الف : ۴۵
تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۳/۰۳/۱۹ *** تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۳/۰۴/۰۳
غلامرضا حیدری –رئیس ثبت اسناد و املاک شهرستان تنگستان

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رأی به شماره ۱۴۰۲۶۰۳۲۴۰۰۳۰۰۱۵۹۸ -مورخه ۱۴۰۲/۰۱/۰۵ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی ملکی چاهپیر تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای یداله بیسیم فرزند موسی به شماره شناسنامه ۳۸۴۳ و به شماره ملی ۳۵۵۹۹۳۶۶۹۱ صادره از تنگستان در ششدانگ یکقطعه زمین مزروعی به مساحت ۳۹۲۵۲/۴۶ مترمربع پلاک ۷۰۶ فرعی از ۱۴۹۳ اصلی قطعه دو واقع در چاهپیر خریداری از مالک رسمی خضر عالی نژاد محرز گردیده است. فلذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را کتباً به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مرجع قضایی تقدیم نمایند بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات مربوطه سند مالکیت صادر خواهد شد. م الف : ۴۷
تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۳/۰۳/۱۹ *** تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۳/۰۴/۰۳
غلامرضا حیدری –رئیس ثبت اسناد و املاک شهرستان تنگستان

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۴۰۲۶۰۳۲۴۰۰۴۰۰۰۵۳۳ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک خورموج تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای حبیب حیدری فرزند غلامرضا بشماره شناسنامه ۲۰۵۴ صادره از بوشهر در ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۷۰۱۰/۵۰ مترمربع پلاک ۲۲۰۲ فرعی از ۱۶۶۴ اصلی مفروز و مجزا شده از پلاک ۱۶۶۴ اصلی قطعه ۴ واقع در بادوله خریداری از مالک رسمی آقای غلامرضا حیدری محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد . م الف : ۱۳۹
تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۹ / ۰۳ /۱۴۰۳
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۰۳ / ۰۴ /۱۴۰۳
عیسی رضایی - رئیس اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان دشتی

سند و برگ سبز و پلاک موتورسیکلت مدل ۱۳۸۸به رنگ مشکی و شماره پلاک ۸۳۵-۱۱۲۷۳ و شماره موتور ۱۵۶FMI۱۲۵NBF۸۸۰۰۴۶۷۸ و شماره شاسی NBF***۱۲۵B۸۸۲۴۰۳۰ بنام نوازاله زارع مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

برگ سبز خودرو پژو ۴۰۵ مدل ۱۳۹۶ به رنگ خاکستری و شماره پلاک ۹۴-۵۲۸ص۲۷ وشماره‌موتور ۱۲۴K۱۰۷۰۷۵۸ و شماره شاسی NAAM۰۱CE۳HK۵۹۰۳۱۵ بنام بهروزایتی گازاری مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

برگ سبز خودرو سواری پراید به شماره انتظامی ۱۶۵ط۳۴ ایران ۵۶ مدل ۱۳۹۰ به رنگ نوک مدادی متالیک به شماره موتور ۴۲۸۱۰۹۵ و به شماره شاسی S۱۴۱۲۲۹۰۰۱۴۰۷۹ بنام محمد پورکلشتری مفقود و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد. رودبار گیلان

برگ سبز خودرو سواری پژو پارس به شماره انتظامی ۴۸۸ ط۷۳ ایران ۵۶ مدل ۱۴۰۱ به رنگ سفید روغنی به شماره موتور ۱۲۵K۰۰۹۸۷۸۰ وبه شماره شاسی NAANA۱۵ENH۱۵۴۷۴۵ بنام مسلم سبزی سرخنی مفقود و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد. رودبار گیلان

آگهی مفقودی

برگ سبز خودرو سواری پژو تیپ پارس مدل ۱۳۸۷ شماره پلاک ۴۳۴ ن ۱۲ (ایران۱۴) شماره موتور ۱۲۴۸۷۰۷۸۹۱۰ شماره شاسی NAAN۰۱CA۳۸E۷۲۰۵۸۳ بنام لیلا قنوات پور مفقود گردیده و فاقد اعتبار می‌باشد.

آگهی مفقودی

کارت ماشین سواری پژو پارس TU۵ مدل ۱۳۹۹ به شماره انتظامی ۹۸۶ق ۵۸ - ایران - ۳۰ و شماره موتور ۱۶۴B۰۲۶۸۹۴۵ وشماره شاسی NAAN۱۱FE۷LH۳۰۲۲۹۶ به نام محمد درویشی مفقود گردیده و فاقد اعتبار است. (رهنان)

برگ سبز و کارت موتور سیکلت لیفان مدل ۱۴۰۰ به شماره انتظامی ۴۴۲-۷۲۳۴۱ به شماره موتور ۰۲۰۰NC۵۰۱۱۴۹۱ به شما ره تنه NC۵AALKHEMAG۴۷۴۵۹ مفقود و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.
(مشگین شهر)

سند مالکیت (برگ سبز) وکارت خودرو سواری هاچ بک کوئیک مدل ۱۴۰۳ به شماره انتظامی ۳۷۷ن۷۵ ایران ۲۸ به شماره موتور M۱۵I/۵۲۰۳۳۰۲ وشماره شاسی NAS۸۶۱۱۱۰R۱۱۱۰۶۰۹ بنام اینجانب رضا ارزانی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است. ملایر

آگهی مفقودی

برگ سبز موتورسیکلت آذرخش ۱۲۵CDI مدل ۱۳۸۵ به شماره انتظامی ۲۱۹۸۶- ایران ۶۲۲ شماره موتور ۰۰۶۵۱۵ و شماره شاسی ۳۰۲۴۰۱۱۳۶۹۳ مفقود گردیده و فاقد اعتبار است.
(زرین شهر)

آگهی مفقودی

کارت ماشین سواری پژو پارس ایی. ال. ایکس مدل ۱۳۸۹ به شماره انتظامی ۷۷۹ط ۹۲ - ایران - ۵۳ و شماره موتور ۱۲۶۸۹۰۰۲۹۹۷ وشماره شاسی NAAN۴۱DC۶BE۶۰۶۲۱۵ به نام سامان موسوی مفقود گردیده وفاقد اعتبار است. (رهنان)

آگهی مفقودی

برگ سبز سواری پراید جی ال ایکس ای مدل ۱۳۸۷ به رنگ سفید روغنی به شماره انتظامی ۷۶۶ ن ۳۲- ایران۲۳ شماره موتور ۲۷۴۸۰۳۰ و شماره شاسی S۱۴۱۲۲۸۷۵۸۶۹۷۰ مفقود گردیده و فاقد اعتبار است.
(سمیرم)

آگهی مفقودی

برگ سبز وکارت ماشین ون کامیونت نیسان تیپ ۲۴۰۰ مدل ۱۳۸۶ به رنگ آبی به شماره انتظامی ۱۸۸ط ۹۵- ایران۷۳ و شماره موتور ۳۹۰۱۸۵ و شماره شاسی K۱۰۲۱۵۲ مفقود گردیده و فاقد اعتبار است. (سمیرم)

برگ سبز و سند کارخانه خودرو سواری پژو ۴۰۵SLX-TU۵ مدل ۱۳۹۸ به شماره انتظامی ایران ۵۴-۲۱۵ ن ۲۸ و شماره موتور ۱۳۹B۰۱۵۶۱۸۵ و شماره شاسی NAAM۳۱FE۵KK۲۳۲۲۳۸ بنام محمد سالاری مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است. یزد

برگ سبز خودرو سواری سایپا ۱۳۱SEمدل۱۳۹۶به‌شماره‌انتظامی ایران ۵۴- ۷۸۱ ق ۵۵ و شماره موتور M۱۳/۵۸۵۰۷۵۲ و شماره شاسی NAS۴۱۱۱۰۰H۱۳۱۲۵۱۱ بنام سید اکبرشفیعی پوراپوروری مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است. یزد

برگ سبز خودرو سواری سایپا ۴۰۵SLX-TU۵ مدل ۱۳۹۱ به شماره انتظامی ایران ۵۴-۷۴۶ م ۲۵ و شماره موتور ۱۳۹B۰۰۱۱۶۱۴و شماره شاسی NAAM۳۱FC۷CK۸۵۹۴۰۰ بنام فاطمه حدادی جوزم مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است. یزد

سند کمپانی خودرو پژو ۲۰۶ رنگ نقره‌ای متالیک مدل ۱۳۸۲ به شماره پلاک ایران ۷۷ - ۹۲۵ ق ۲۵ و شماره موتور FX۳N۱۵۸۲۰۳۵ و شماره شاسی۸۱۶۹۲۱۱۰ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

آگهی مفقودی

برگ سبز، برگ کمپانی خودرو سواری پژو تیپ PARSTU۵ مدل ۱۳۹۸ شماره پلاک ۷۲۷ و۷۹ (ایران۳۸) شماره موتور ۱۳۹B۰۱۴۶۹۹۷شماره شاسی NAAN۱۱FE۵KH۵۴۱۱۷۹ بنام فروغ طلایی توده رودی مفقود گردیده و فاقد اعتبار می‌باشد.

برگ سبز سواری پراید مدل ۱۳۸۶ به شماره انتظامی ۹۱ ایران ۵۴۱ ق ۷۲ به شماره موتور ۲۰۷۱۰۷۹ به شما ره شاسی. s۱۴۱۲۲۸۶۳۶۲۹۳۱ مفقود واردرجه اعتبار ساقط می‌باشد. (مشگین شهر)

اصل سند برگ سبز و کارت مربوط به موتورسیکلت ۲۰۰CC پیشرو به شماره موتور ۲۶۳۰۰۲۷۰ وشماره تنه NDR***۲۰۰C۸۵۵۰۶۲۱ مربوط به اینجانب آقای امین آزادبخت مفقود گردیده از درجه اعتبار ساقط می‌باشد. ک

شناسنامه مالکیت (برگ سبز) موتورسیکلت یک سیلندر زیگما مدل ۱۳۹۵ برنگ قرمز به شماره پلاک ۴۶۲-۷۲۶۴۱ به شماره شاسی N۱D۱۶۹S۹۵۰۰۹۴۴ به شماره موتور ۰۱۶۹N۱D۵۰۳۵۳۸ مربوط به آقای شیرکو محمدی فرزند فاتح به شماره ملی ۳۸۱۰۴۹۶۷۷۴ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد. (مریوان)

برگ سبز خودرو سواری سمند سورن EFV مدل ۱۴۰۳ به شماره انتظامی ایران ۱۶-۸۶۲ ب ۸۵ و شماره موتور ۱۴۷H۰۷۹۸۶۶۰ و شماره شاسی NAACS۱HHFRFC۷۷۳۱۴ بنام مریم اسکندری مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است. یزد

(آگهی مفقودی)

پروانه دفتر کار مامایی به شماره ۱۰۸م۲۴۲۳۷۱۹۰ تاریخ صدور ۱۳۹۹/۱۲/۴ تاریخ انقضاء ۱۴۰۰/۱۲/۲۹ بنام خانم فاطمه شریفی به شماره ملی ۱۹۵۱۱۲۰۷۲۸ و شماره نظام پزشکی ۳۷۱۹۰ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است. ماهشهر

سند کارخانه و سند مالکیت (برگ سبز) اتومبیل سواری پیکان مدل ۱۳۸۱ به رنگ سفید-روغنی به شماره انتظامی ۴۹-۳۸۵ط۴۵ و شماره شاسی ۸۱۵۳۶۵۱۰ و شماره موتور ۱۱۱۵۸۱۳۴۵۹۴ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد. (ب)

سند کارخانه اتومبیل سواری پژو ۲۰۶ مدل ۱۳۹۴ به رنگ سفید-روغنی به شماره انتظامی ۵۸-۸۲د۸۵۷ و شماره شاسی NAAP۱۳FE۳FJ۳۳۰۶۸۰ و شماره موتور ۱۶۳B۰۲۰۲۷۷۱ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد. (ب)

برگ سبز و سند کمپانی موتورسیکلت مدل ۱۳۹۰ بنام سهراب پرستش به شماره پلاک ۷۴۶۲۶۵۸۱ شماره موتور ۱۵۶FMI۰۱۸۵۲۷۴ شماره تنه N۲N***۱۲۵E۹۰۱۳۳۵۱ مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد. لاهیجان

برگ سبز و کارت و سندکمپانی خودرو کامیونت ون زامیاد مدل ۱۳۹۸ به شماره انتظامی ۳۶۲ ق ۸۴ ایران ۴۷ به شماره موتور Z۲۴۸۳۱۹۱۶Z و شماره شاسی NAZPL۱۴۰BL۰۵۷۱۹۴۹ متعلق به فرامرز هداوند به کد ملی ۰۶۱۰۰۸۶۴۳۱ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد. اراک

آگهی مفقودی برگ سبز و سند کمپانی خودرو

برگ سبز و سند کمپانی خودرو وانت پیکان مدل ۱۳۸۸ رنگ سفید شیری به شماره موتور ۱۱۴۸۸۰۰۷۱۴۶ شماره شاسی NAAA۳۶AA۸۹G۸۳۹۵۵۰ به شماره پلاک ایران ۳۶-۹۹۳م۴۸ بنام حسین قربانی مفقود گردیده از اعتبار ساقط می‌باشد. سبزوار

آگهی مفقودی برگ سبز خودرو

برگ سبز خودرو سواری سایپا ۱۳۱SE مدل ۱۳۹۴ رنگ سفید - روغنی به شماره موتور ۵۵۰۰۴۹۸ شماره شاسی NAS۴۱۱۱۰۰F۳۴۴۹۴۴۳ به شماره پلاک ایران ۲۶-۹۶۳ج۲۳ بنام قاسم محمدزاده مفقود گردیده از اعتبار ساقط می‌باشد.
سبزوار